

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۷

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال سیزدهم، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۳۰

بررسی منابع شیخ مفید در باب دوازدهم ارشاد

مصطفی صادقی^۱

مهدی نورمحمدی^۲

چکیده

بیشتر آثار مهدوی که شیعیان امامیه نوشته‌اند، به اثبات کلامی و نقل روایات درباره امام دوازدهم می‌پردازد. در این میان کتاب *الارشاد* شیخ مفید که درباره زندگانی دوازده امام است، با رویکردی تاریخی - کلامی به این موضوع پرداخته و بخش آخر آن به تاریخ امام دوازدهم اختصاص دارد. با توجه به اهمیت این کتاب و جایگاه نویسنده آن شیخ مفید، لازم است منابعی که در این کتاب بهره برده شده است شناسایی شود تا اتقان یا ضعف اخبار و روایات آن کتاب روشن گردد. مقاله حاضر با بررسی اخبار و روایات این کتاب در بخش زندگانی امام عصر علیه السلام، تلاش می‌کند به مصادر آن دست پیدا کند. بدین منظور برخی از روایات *الارشاد* با آثاری که پیش از آن نوشته شده و اکنون در دست است، مقایسه شد. نتیجه‌ای که مقاله بدان دست یافته، آن است که به رغم مشخص بودن دسته‌ای از مصادر این کتاب، گروهی از منابع آن ناشناخته‌اند.

واژگان کلیدی

امام دوازدهم، منابع شیخ مفید، کتاب *الارشاد*، شیخ مفید.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (نویسنده مسئول) (Sadeqi48@isca.ac.ir).

۲. دکتری تاریخ تشیع اثناعشری و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (M.noormohammadi1351@gmail.com).

مقدمه

کتاب *الارشاد* شیخ مفید جزء معدود آثار کهن و دست اول شیعه است که به تاریخ امامان معصوم می‌پردازد. باب دوازدهم این کتاب به امام عصر علیه السلام اختصاص دارد. به جهت اهمیت و تأثیرگذاری این کتاب، شایسته است منابع و مصادر اصلی روایات آن بررسی و مشخص شود تا تأثیر و تأثر آن در پژوهش‌های دیگر آشکار گردد. این نوشتار به بخشی از این منبع‌شناسی که در خصوص تاریخ امام عصر علیه السلام است، می‌پردازد.

مسئله و پرسش مقاله درباره چستی مصادره شیخ مفید در تدوین زندگانی امام دوازدهم از کتاب *ارشاد* است. در پاسخ این سؤال این فرضیه را می‌توان مطرح کرد که شیخ مصادره متنوعی دارد و همان‌گونه که بخشی از مطالب خود در بخش‌های زندگانی دیگر ائمه علیهم السلام را از کتب شناخته شده‌ای همچون *کافی* نقل می‌کند، با توجه به مضمون برخی روایات کتاب، گویا از محافل دیگر مذاهب مانند زیدیه و اسماعیلیه هم روایت کرده باشد. این فرضیه را در تحقیق پیش‌رو به بررسی خواهیم گذاشت تا صحت و سقم آن روشن شود. طبیعی است پیش از پرداختن به سؤال اصلی، از کتاب *ارشاد* و مؤلف آن سخن گفته شود.

هدف از این نوشتار، آشنایی با منابع اصلی مهدویت است. رصد و بررسی مصادر هر یک از آثار مهدوی می‌تواند به استحکام مستندات این موضوع کمک کند.

برای این مقاله پیشینه‌ای یافت نشد. درباره شیخ مفید و آثار او و کتاب *الارشاد*، نوشته‌هایی وجود دارد. مانند مقالات کنگره هزار شیخ مفید، کتاب شیخ مفید و تاریخ‌نگاری اثر قاسم خانجانی، مقاله شیخ مفید و تاریخ‌نگاری او در کتاب *الارشاد* اثر نعمت‌الله صفری، اما هیچ‌یک از این آثار مربوط به منابع زندگی امام دوازدهم در کتاب *ارشاد* نیست.

ارشاد و مؤلف آن

کتاب *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد* نوشته ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری مشهور به شیخ مفید است. شهرت اصلی او ابن معلم بود ولی به تدریج لقب مفید بر او غلبه کرد. برخی این لقب را در پی گفتگویی با علی بن عیسی یا قاضی عبدالجبار می‌دانند (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۳، ۶۴۸؛ شوشتری، ۱، ۴۶۴) که هر دو از بزرگان معتزله بودند و برخی دیگر آن را از سوی امام زمان علیه السلام (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۱۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۵ و ۴۹۸؛ درباره این انتساب ر. ک: دوانی، ۱۴۱۳: ۲۴؛ صفری، ۱۳۸۶: ۱۱؛ خانجانی، ۱۳۹۲: ۷). نجاشی سال‌های تولد و وفات این استادش را ۳۳۶ و ۴۱۳ ثبت کرده و وثاقت و فضل او در

علوم فقه و کلام و حدیث را به اندازه‌ای می‌داند که نیازی به وصف ندارد. (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۹۹ و ۴۰۲) رجال‌یون اهل سنت به رغم تجلیل و یادکرد عظمت دانش و اخلاق شیخ مفید (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۷، ۳۴۴؛ همو، ۱۹۹۳: ج ۲۸، ۳۳۴؛ ابن حجر، ۱۴۰۶: ج ۵، ۳۶۸؛ توحیدی، ۱۴۰۳: ۱۰۷) عصبانیت خود از تأثیرگذاری وی در میان مسلمانان از یک سو و خوشحالی از مرگ وی را از سوی دیگر پنهان نکرده‌اند. (ذهبی، ۱۹۹۳: ج ۲۸، ۳۳۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۱۲، ۱۸؛ خطیب، ۱۴۱۷: ج ۳، ۲۳۱)

شیخ مفید در علوم مختلفی سرآمد بود که کلام و تاریخ از جمله این دانش‌هاست و این دو را در کتاب‌های *ارشاد* و *جمل* به منصفه ظهور رسانید. این دو اثر هرچند به تاریخ زندگانی ائمه علیهم‌السلام می‌پردازد، رویکردی کلامی دارد. در *ارشاد* به دنبال اثبات امامت و برتری دوازده امام است و کتاب *جمل* را نیز در حقانیت امیرمؤمنان علیه‌السلام نوشته است. او از دانشوران پرتألیف امامیه است که شاگردانش نجاشی و شیخ طوسی به ترتیب ۱۷۰ و ۲۰۰ تألیف برایش برشمرده‌اند که از آن جمله کتاب *الارشاد* است. (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۹۹ و ۴۰۲؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۴۵) بنابراین از نظر فهرستی، در انتساب این کتاب به شیخ مفید تردیدی نیست. بخشی از آثار وی را رساله‌های کوچک یا جوابیه‌های فقهی و کلامی تشکیل می‌دهد؛ اما تأثیرگذاری و بسامد فراوان این آثار، جایگاه با عظمت و توفیقات این عالم را نشان می‌دهد. بیشترین این آثار درباره اهل بیت علیهم‌السلام و امامت ایشان و تعدادی به موضوع مهدی اختصاص دارد. این نوشته‌ها عبارتند از: *الفصول العشره* و چهار رساله در غیبت با عناوین *الرسالة الاولى فی الغیبه*، *الرسالة الثانية* و

بخشی از اهمیت و جایگاه کتاب *الارشاد* وابسته به شخصیت مؤلف آن یعنی دانشمندی متکلم، محدث و مورخ از بزرگان مذهب امامیه است. بخشی دیگر از آن سواست که کتابی جامع درباره دوازده امام نوشت که تا آن زمان نبوده یا به دست ما نرسیده است. کتب تاریخی دیگر که غالباً در حلقه مخالفان شیعه بوده، هیچ‌گاه به تفصیل و به طور کامل به زندگانی امامان نپرداخته‌اند، هرچند مانند یعقوبی و مسعودی گرایش‌های شیعی داشته‌اند. از این رو کتاب شیخ مفید اهمیت بسیاری دارد.

کتاب *ارشاد* در ارائه تاریخ ائمه علیهم‌السلام ساختار مشخصی ندارد زیرا در بیان زندگانی یک امام به موضوعاتی پرداخته که گاه در شرح زندگی امام دیگر به آن نمی‌پردازد. واژه باب را اغلب برای شروع تاریخ هر امام و گاه برای فصل‌های فرعی به کار برده و دوازدهمین باب اصلی کتاب به مباحث امام عصر علیه‌السلام اختصاص دارد. هر باب را با عبارت «باب ذکر الامام القائم بعد...» شروع می‌کند یعنی امام قائم علیه‌السلام به امر امامت بعد از امام پیشین. آن‌گاه مباحثی چون

احوال شخصی، نص بر امامت، رویدادهای زندگی، چگونگی درگذشت و فرزندان هر امام را بیان می‌کند.

باب دوازدهم ارشاد

شیخ مفید در قسمت تاریخ امام عصر علیه السلام از کتاب *الارشاد* به مطالب زیر پرداخته است: احوال شخصی و کلیات، نصوص امامت، کسانی که او را دیده‌اند، نشانه‌های امامت و معجزات، علائم ظهور و حوادث دوران او، سیره عملی او پس از ظهور. شیوه نقل مطالب، حدیثی است هرچند گاهی سلسله کامل اسناد را نیاورده است.

مطالب مربوط به امام زمان علیه السلام در کتاب *ارشاد*، بیشتر از زبان ائمه است و به جای مباحث تاریخی، بیشتر به مباحث کلامی هم چون استدلال بر وجوب امام قائم علیه السلام، نصوص امامت و روایاتی درباره نشانه‌های ظهور پرداخته است.

مفید در بحث از امام عصر علیه السلام، اشاره‌ای به وکلای چهارگانه نکرده و در عوض بابی را به کسانی که آن حضرت را دیده‌اند اختصاص داده است. در قسمت نشانه‌های ظهور بر روایات ضعیفی اعتماد شده که متناسب با فضای آن دوره بوده و گاه مطالبی غیر مهم را از اقدامات مهدی پس از ظهور می‌داند که احتمال می‌رود برای افرادی اهمیت داشته و آنها را ساخته‌اند. مانند اختلاف بنی عباس، کشتن بسیاری از قریش و موالی آنها، کوتاه کردن دست بنی شبیه از پرده‌داری کعبه و فتح قسطنطنیه. (مفید، ۱۴۱۶: ج ۲، ۳۷۲، ۳۸۳، ۳۸۵) یا این‌که با ظهور امام عصر علیه السلام، زمین به نور الهی روشن می‌شود و نیازی به نور خورشید نیست. مرد آن قدر عمر می‌کنند که هزار فرزند پسر می‌آورد و دختر نمی‌آورد! (همو: ۳۸۱) دیدگاه سازندگان این اخبار و مخالفت با معارف دینی مانند نفی فرزند دختر از محتوای آن آشکار است.

با آن‌که شیخ مفید در جاهای دیگر چندان با خبر واحد موافق نیست، در باب دوازدهم *ارشاد* به روایاتی تمسک کرده که شواهد و مؤیداتی برای آن یافت نمی‌شود. بلکه با عقل‌گرایی شیخ مفید و حتی در مواردی با معارف اسلامی و شیعی سازگار نیست. مانند روایتی که به نقل از مفضل بن عمر می‌گوید در دولت مهدوی دیگر نیازی به خورشید نخواهد بود و تاریکی رخت برخواهد بست. هر مرد آن قدر عمر می‌کند که هزار پسر از او متولد می‌شود و هیچ دختری در میان فرزندان نیست! (مفید، ۱۴۱۶: ج ۲، ۳۸۱) این در حالی است که قرآن تفکر نفی دختر را جاهلی می‌داند. به علاوه اگر در دولت مهدوی آن همه فرزند پسر به دنیا آید، مادران و مسئله ازدواج چگونه حل خواهد شد؟

به رغم آن که بخش‌هایی از کتاب *ارشاد* متأثر از اندیشه عقل‌گرایی شیخ مفید است، اما مواردی که متأثر از حدیث‌گرایی و نقل اخبار آحاد است در این کتاب کم نیست. آهسته حرکت کردن خورشید و طولانی شدن روزها بعد از ظهور مهدی علیه السلام (مفید، ۱۴۱۶: ج ۲، ۳۸۵) و نقل گسترده نشانه‌های ظهور با روایات ضعیف از آن جمله است.

در موضوع مهدی و روایات آن، بسیاری از کتب دوره‌های بعد، از این کتاب شیخ مفید نقل کرده‌اند. از شیعیانی مانند طبرسی در *علام‌الوری*، اربلی در *کشف‌الغمه* و فتال نیشابوری در *روضه‌الواعظین* که بگذریم، برخی اهل سنت مانند سلمی شافعی در *عقد‌الدُرر* (برای نمونه: ص ۹۸ و مقایسه شود با ارشاد: ص ۳۷۹) و *فصول‌المهمه* (مانند ج ۲، ص ۱۱۳۲ و مقایسه شود با ارشاد: ص ۳۷۹) هم از *ارشاد* تبعیت کرده‌اند.

منابع شیخ در ارشاد

شیخ مفید در کتاب *ارشاد* برای نقل‌های خود به شیوه‌های گوناگونی بهره برده است. گاهی سلسله راویان را به طور کامل و گاه برخی از آنان را ذکر می‌کند. گاه نیز بدون نقل سند، به اجماع و اتفاق نظر بر یک خبر استناد کرده و می‌گوید ناقلان و عالمان آثار چنین گفته‌اند یا مشهور یا اجماع چنین است. (مفید، ۱۴۱۶: ج ۱، ۲۱۰ و ۳۳۴؛ ج ۲، ۱۳۳ و ۱۸۲) از این رو می‌توان گفت دسته‌ای از روایات به واسطه مشایخ خود اوست و بخشی به وجاده (یافتن کتاب و نقل از روی آن) است. بنابراین دسته‌ای از منابع وی آشکار و هویداست و دسته‌ای دیگر نیاز به بررسی و دقت نظر دارد.

دسته اول؛ آشکار

در باب امام دوازدهم از کتاب *ارشاد* روایات بسیاری وجود دارد که در کتاب *کافی* هم آمده است. از تفاوت عبارت روایت‌ها در دو کتاب به دست می‌آید که شیخ مفید به صورت وجاده از *کافی* نقل نکرده بلکه همان‌گونه که از اسناد وی پیداست، روایات کلینی را به واسطه شیخ خود ابن قولویه روایت می‌کند. به همین جهت است که در کتاب *ارشاد* نامی از *کافی* نیامده ولی عبارت اخبرنی ابوالقاسم جعفر بن محمد (ابن قولویه) عن محمد بن یعقوب الکلینی مکرر در سلسله اسناد وجود دارد. دو نمونه زیر شاهد بر این مطلب است که شیخ مفید مستقیماً از کتاب *کافی* نقل نکرده است.

نخست روایتی از کرامت امام عصر علیه السلام نسبت به مردی از آوه:

الارشاد (ج ۲، ۳۶۵):

عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَمَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ آبَةِ شَيْئاً يُوصِلُهُ وَنَسِي. سَيْفَاكَانَ أَرَادَ حَمْلَهُ فَلَمَّا وَصَلَ الشَّيْءُ كُتِبَ إِلَيْهِ بِوُصُولِهِ وَقِيلَ فِي الْكِتَابِ مَا خَبَرَ السَّيْفَ الَّذِي أُنْسِيَتْهُ^۱

الكافی (ج ۱، ۵۲۳):

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَمَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ آبَةِ شَيْئاً يُوصِلُهُ وَنَسِي. سَيْفَاً بِآبَةِ فَأَنْفَذَ مَا كَانَ مَعَهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ مَا خَبَرَ السَّيْفَ الَّذِي نَسِيَتْهُ.

تفاوت های جزئی دیگری در برخی کلمات هست که نمی توان آن را به حساب دواگانگی منبع یا راوی گذاشت زیرا این مقدار تفاوت - که ناشی از نسخه ها یا تصحیف در کتابت است - عادی می نماید. در نمونه دوم، زیر کلمه ای که /ارشاد اضافه دارد خط کشیده شده و نشان می دهد از کتاب کافی روایت نکرده است.

الكافی (ج ۱، ۵۱۸):

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: شَكَّكْتُ عِنْدَ مُضِيِّ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَاجْتَمَعَ عِنْدَ أَبِي مَالٍ جَلِيلٍ فَحَمَلَهُ وَرَكِبَ السَّفِينَةَ وَخَرَجْتُ مَعَهُ مُشْتَبِعاً فَوَعِكَ وَعْكَاً شَدِيداً فَقَالَ يَا بُنَيَّ زِدْنِي فَهُوَ الْمَوْتُ وَقَالَ لِي أَتَقِي اللَّهَ فِي هَذَا الْمَالِ وَأَوْصَى إِلَيَّ فَمَاتَ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي...

الارشاد (ج ۲، ۳۵۵):

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: شَكَّكْتُ عِنْدَ مُضِيِّ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَاجْتَمَعَ عِنْدَ أَبِي مَالٍ جَلِيلٍ فَحَمَلَهُ وَرَكِبْتُ السَّفِينَةَ مَعَهُ مُشْتَبِعاً لَهُ فَوَعِكَ وَعْكَاً شَدِيداً فَقَالَ يَا بُنَيَّ زِدْنِي فَهُوَ الْمَوْتُ وَقَالَ لِي أَتَقِي اللَّهَ فِي هَذَا الْمَالِ وَأَوْصَى إِلَيَّ وَمَاتَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي...^۲

مفید گاه حدیث کلینی را با تغییراتی هم چون اختصار نقل کرده که البته مضمون حدیث را تغییر نمی دهد. مانند:

الكافی (ج ۱، ۳۲۹):

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِلْعَمْرِيِّ قَدْ مَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ فَقَالَ لِي قَدْ

۱. مردی از آوه چیزهایی برای ناحیه فرستاد ولی شمشیری را که قصد ارسال آن را داشت، فراموش کرد. در پاسخ برای او نوشته شد که وسایل رسیده اما داستان آن شمشیر فراموش شده چیست؟!

۲. پس از امام عسکری عليه السلام درباره جانشین او شک کردم و اموالی از حق امام نزد پدرم مانده بود. با او به کشتی نشستیم و اموال را بردیم. پدر بیمار شد و از خوف مرگ به من گفت او را برگردانم. درباره اموال هم به من سفارش کرد و پس از سه روز از دنیا رفت.

مَضَى وَلَكِنْ قَدْ خَلَفَ فِيكُمْ مَنْ رَقَبْتُهُ مِثْلُ هَذِهِ وَأَشَارَ بِبَيْدِهِ.^۱

الارشاد (ج ۲، ۳۴۸):

عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدَانَ الْقَلَانِسِيِّ عَنِ الْعُمَرِيِّ قَالَ: مَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ وَخَلَفَ وَلَدُ آلِهِ.

شیخ مفید تمامی سیزده روایت باب نص بر امام دوازدهم و تمامی ده روایت باب بینندگان آن حضرت (من راه) را از کلینی نقل می‌کند. البته شیخ مفید روایات کلینی را گزینش کرده و همه آنها را ذکر نمی‌کند. شیخ در باب بعدی که معجزات (دلائل) امام عصر علیه السلام است، روش خود را تغییر داده و به جز حدیث نخست، بدون نام بردن از ابن قولویه و کلینی، فقط به راویان آخر اشاره می‌کند. بنابراین می‌توان گفت هسته اصلی روایات شیخ مفید در باب زندگی امام دوازدهم که شامل نص، کسانی که او را دیده‌اند و دلائل امامت (معجزات) را غیرمستقیم از کافی نقل کرده است. اما بخش دوم که ظهور و علامات آن و زندگی پس از ظهور است چنین نیست.

دسته‌ای از روایات /ارشاد در منابع پیشین مانند غیبت نعمانی و کمال‌الدین صدوق هست ولی نمی‌دانیم آیا شیخ مفید از آنان نقل کرده یا طریق دیگری به آن اخبار داشته است باشد. مانند خبری با سندی مشابه و متن واحد درباره فاصله ۱۵ شب بین قتل نفس زکیه و ظهور. (صدوق، ۶۴۹) یا مانند روایتی که از مرگ سرخ و سفید و حمله ملخ‌ها به عنوان نشانه ظهور سخن می‌گوید و در غیبت نعمانی (ص ۲۷۸) به همان عبارت وجود دارد. البته وی در پایان بحث نص بر امام عصر علیه السلام و پس از نقل روایات کلینی، برای اطلاع بیشتر به کتاب الغیبه نعمانی ارجاع داده و از آن و نویسنده‌اش نام برده است که می‌تواند شاهی بر استفاده وی از آن کتاب باشد. در عین حال تفاوت روایات دو کتاب به گونه‌ای است که نمی‌توان در این باره با اطمینان سخن گفت. دو نمونه زیر شاهی بر این مطلب است که شیخ مفید نمی‌تواند این اندازه جابه‌جایی در هنگام نقل روایت اعمال کرده باشد:

الغیبه نعمانی (۲۷۹):

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقَدَّامِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ علیه السلام يَا جَابِرُ الزَّمِ الْأَرْضَ وَلَا تَحْرِكْ يَدًا وَلَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتٍ أَذْكُرُهَا لَكَ إِنَّ أَدْرَكْتَهَا أَوْ هُئِلَ خِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ وَمَا أَرَاكَ تَذْكُرُ ذَلِكَ وَلَكِنْ حَدَّثَ بِهِ مَنْ بَعْدِي عَنِّي وَمُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَيَحْيِيكُمْ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشْقَ بِالْفَتْحِ وَ

۱. به عمری گفتیم امام عسکری علیه السلام از دنیا رفت. او گفت آری اما جانشینی در میان شما گذاشته است.

تُخَسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى الشَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَّةَ وَتَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقَ الْأَيْمَنِ وَ
مَارِقَةٌ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ الثَّرَكِ وَيَعْقُبُهَا هَنْجُ الرُّومِ وَسَيُقْبَلُ إِخْوَانُ الثَّرَكِ حَتَّى يَنْزِلُوا
الْجَزِيرَةَ وَسَيُقْبَلُ مَارِقَةُ الرُّومِ حَتَّى يَنْزِلُوا الرَّمْلَةَ فَبَلَكَ السَّنَةُ يَا جَابِرُ فِيهَا اخْتِلَافٌ كَثِيرٌ فِي
كُلِّ أَرْضٍ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَخْرُبُ أَرْضُ الشَّامِ ثُمَّ يَحْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى
ثَلَاثِ رَايَاتٍ رَايَةَ الْأَصْهَبِ وَرَايَةَ الْأَبْقَعِ وَرَايَةَ السُّفْيَانِي^۱.

الإرشاد (ج ۲، ۳۷۲):

الْحُسَيْنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: الزَّمَّ
الْأَرْضَ وَلَا تُحَرِّكْ يَدًا وَلَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتٍ أَذْكُرُهَا لَكَ وَمَا أَرَاكَ تُذَكِّرُ ذَلِكَ
اخْتِلَافَ بَنِي الْعَبَّاسِ وَمُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَخَسَفُ قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى الشَّامِ تُسَمَّى
الْجَابِيَّةَ وَنُزُولُ الثَّرَكِ الْجَزِيرَةَ وَنُزُولُ الرُّومِ الرَّمْلَةَ وَاخْتِلَافٌ كَثِيرٌ عِنْدَ ذَلِكَ فِي كُلِّ أَرْضٍ
حَتَّى تَخْرُبَ الشَّامُ وَيَكُونُ سَبَبُ خَرَابِهَا اجْتِمَاعُ ثَلَاثِ رَايَاتٍ فِيهَا رَايَةُ الْأَصْهَبِ وَرَايَةُ
الْأَبْقَعِ وَرَايَةُ السُّفْيَانِي.

الغيبه نعمانی (۲۷۷):

مَحَمَّدُ بْنُ سَيَّانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:
إِذَا هُدِمَ حَائِطُ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مِنْ مُؤَخَّرِهِ مِمَّا يَلِي دَارَ ابْنِ مَسْعُودٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ زَوَالُ مُلْكِ
بَنِي فُلَانٍ أَمَّا إِنْ هَادَمَهُ لَا يَبْنِيهِ^۲.

الإرشاد (ج ۲، ۳۷۵):

مَحَمَّدُ بْنُ سَيَّانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا هُدِمَ حَائِطُ مَسْجِدِ
الْكُوفَةِ مِمَّا يَلِي دَارَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ زَوَالُ مُلْكِ الْقَوْمِ وَعِنْدَ زَوَالِهِ خُرُوجُ
الْقَائِمِ.

این نمونه ها که در کتاب /ارشاد کم نیست، نشان می دهد شیخ مفید کتاب نعمانی را همانند کافی به واسطه مشایخ خود روایت کرده و به طریق و جاده نبوده است؛ زیرا این اندازه تغییر نمی تواند حاصل بی دقتی ناسخان یا مشکلات نسخه نویسی باشد بلکه ناشی از دو گونه نقل است.

۱. ای جابر ملازم زمین باش و حرکتی نکن تا علامت هایی را ببینی. اولش اختلاف بنی عباس است که گمان نکنم آن را درک کنی ولی آن را برای دیگران بگو. نشانه دیگر منادی از آسمان و صدای پیروزی از سوی دمشق است و فرو رفتن جاییه و خرابی بخشی از مسجد دمشق و ...

۲. وقتی قسمت آخر دیوار مسجد کوفه که کنار خانه ابن مسعود است خراب شود، پایان فلان حکومت است و خراب کننده اش هم آن را بنا نخواهد کرد.

از روایت دوم این استفاده هم می‌شود که روایت نعمانی ارتباطی به ظهور ندارد در حالی که انتهای روایت مفید به ظهور اشاره دارد.

دسته دوم؛ ناشناخته

بخشی از روایاتی که شیخ مفید در کتاب *ارشاد* آورده است، در منابع پیش از وی به چشم نمی‌خورد و دیگران هم به نقل از وی آن را ذکر کرده‌اند. بنابراین کشف مصدر اصلی آن به سختی امکان‌پذیر بوده یا در مواردی ممکن نیست. در این جا به منظور بررسی منابع احتمالی وی به مقایسه روایات *ارشاد* با کتاب‌هایی که پیش از وی نوشته شده و روایات مهدی را ذکر کرده‌اند، می‌پردازم.

شیخ مفید در باب علائم ظهور روایاتی از فضل بن شاذان نقل می‌کند (مانند ص ۳۷۴-۳۷۶) که می‌تواند شاهی بر دسترسی وی به کتاب *الرجعه* فضل باشد.

از آن جا که حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۳۴) چندین دهه پیش از شیخ مفید (م ۴۱۳) کتاب *الهدایة الکبری* درباره زندگانی ائمه علیهم‌السلام را نوشته و گفته شد در میان شیعیان کمتر کتابی به دوازده امام اختصاص داشته است، احتمال می‌رود شیخ مفید از آن کتاب یا نویسنده آن نقل کرده باشد. اما دقت و مقایسه روایات آن دو چنین موضوعی را تأیید نمی‌کند. خصیبی (۱۴۳۲: ۴۷۸-۴۷۹) روایتی بسیار طولانی به سند مفصل بن عمر به امام صادق علیه‌السلام نسبت می‌دهد که به مطالبی درباره مهدی می‌پردازد. شیخ مفید (۲۸۲ و ۲۸۶) نیز روایاتی از مفصل نقل کرده است اما مقایسه دو کتاب نشان می‌دهد تناسبی بین این روایات نیست. گویی آنچه خصیبی آورده داستانی بیش نیست ولی مطالب مفید، منطقی‌تر است.

قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳) از عالمان اسماعیلی است که اخبار مهدی را در کتاب‌های خود *شرح الاخبار*، *دعائم الاسلام* و *تأویل الدعائم* به وفور آورده و بر مهدی فاطمی تطبیق داده است (برای نمونه: مغربی، ج ۳، ۳۶۳-۳۶۴) اما اخبار این کتاب‌ها با آنچه در باب دوازدهم *ارشاد* آمده، هم‌خوانی ندارد. بنابراین نمی‌توان گفت شیخ از وی نقل کرده باشد. البته در اندک جاهایی تصور می‌شود فعالیت‌های پنهان اسماعیلیه، بر نقل‌های کتاب تأثیر گذاشته است. مانند دو روایتی که مدت حکومت قائم علیه‌السلام را هفت سال ذکر می‌کند و هر سال آن معادل ده سال است (مفید، ۱۴۱۶: ج ۲، ۳۸۱، ۳۸۵) و آن را درست‌تر از بقیه روایات در مدت حکومت مهدی می‌داند. (همو: ۳۸۷)

نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۹) نماینده طیف حدیث‌گرایان اهل سنت است که کتاب *الفتن* خود را به روایاتی درباره آخرالزمان و مهدی و ظهور او اختصاص داده و عالمانی از امامیه مانند

ابن طاووس از او فراوان نقل کرده‌اند (برای نمونه: ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۶۵-۷۰ و ابواب دیگر، مقایسه شود ح ۴، ۶۶ با ابن حماد، ۱۴۲۳، ۲۹) اما در کتاب *ارشاد* ردّ پایی از این کتاب و منابع مشابه حدیث‌گرایان دیده نمی‌شود و مقایسه دو کتاب شاهی بر این مطلب است. البته ممکن است کلماتی همانند در دو کتاب یافت شود اما نمی‌تواند نشانگر اخذ از آن منبع گردد. مثلاً این نقل *ارشاد* (ص ۳۸۱) که در دولت مهدوی هر مرد آن قدر عمر می‌کند که هزار فرزند پسر می‌آورد در کتاب *الفتن* (ص ۴۰۲) به مناسبت یاجوج و مأجوج آمده است.

شیخ مفید در موارد اندکی از غیر معصوم گزارش می‌کند. این روایات به فراوانی آنچه شاگردش شیخ طوسی در کتاب *الغیبه* از اهل سنت نقل می‌کند نیست (برای نمونه: طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۳-۴۵۴) ولی همین اندازه توجه را جلب می‌کند که باید در نقل اخبار مهدوی از این آثار احتیاط کرد زیرا مؤلف آنها به منابع مختلفی اعتماد کرده است. مانند خبری که از سعید بن جبیر درباره ریزش ۲۴ مرتبه باران پیش از ظهور نقل می‌کند. (مفید، ۱۴۱۶: ج ۲، ۳۷۳) می‌دانیم بخش قابل توجهی از روایات اهل سنت از صحابه و تابعین بوده که اصطلاحاً به آن آثار گفته می‌شود. (درباره اثر ر. ک: ساخت، سراسر مقاله) این روایات در واقع نظرات خود صحابه یا تابعان است و نزد شیعه حجیت کلامی و فقهی ندارد.

در *ارشاد* خبری از عبدالله بن عمر از رسول خدا ﷺ نقل شده که قبل از مهدی، ۶۰ مدعی نبوت خروج خواهند آمد. (ج ۲، ۳۷۱) این روایت به همین سند در *الغیبه* شیخ طوسی هم آمده که پیداست منبع هر دو یکی است. البته این که شیخ طوسی چنین مواردی را از استادش شیخ مفید نقل کرده باشد، بعید است زیرا سند شیخ کامل است ولی مفید همه سلسله سند را ذکر نکرده است. احمد بن حنبل (ج ۲، ۴۲۹) شبیه این خبر را نقل کرده که سه تفاوت با روایت ارشاد دارد: اولاً سلسله سند فرق دارد، ثانیاً سخن از ۳۰ دجال مدعی نبوت است، ثالثاً به جای مهدی، آستانه قیامت آمده که ماهیت روایت عوض شده و مربوط به نشانه‌های قیامت خواهد بود. بعید نیست همین خبر با تغییراتی به محافل شیعه راه یافته باشد زیرا شواهد دیگری دلالت دارد که برخی راویان یا محدثان، روایات علائم ظهور را با اشراط الساعة آمیخته‌اند.

شیخ مفید در ابتدای باب نشانه‌های ظهور به تعداد بسیاری از آنها به صورت فهرست‌واره اشاره کرده و برخی روایات دالّ بر آنها را در همین کتابش آورده است. اما بخشی از این نشانه‌ها هم روایتی ندارد و نمی‌دانیم وی آنها را از کجا نقل کرده است. به طور کلی روایات مربوط به ظهور در ارشاد، با فضای دوره زندگی شیخ مفید و محدثان پیش از او تناسب دارد. روایاتی که از خلافت عباسیان سخن می‌گوید، زندگی قبیله‌ای را به تصویر می‌کشد، از قبایلی چون قریش و

بنی‌هاشم و بنی‌امیه و بنی‌شیبیه و جهینه نام می‌برد، شهرهایی چون کوفه و شام که آن زمان مرکزیت داشتند محل ظهور یا محل هجوم مخالفان است، نزاع‌های شیعه و سنی در آن مشهود است. (ر.ک: مفید، ۱۴۱۶: ج ۲، ۳۶۸-۳۸۷)

نتیجه‌گیری

باب دوازدهم کتاب *ارشاد* به شرح زندگانی و ظهور امام دوازدهم اختصاص دارد. شیخ مفید از منابع متعددی در این قسمت نقل کرده و کمتر به نام آنها اشاره می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد حدود نیمی از روایات این باب همان روایات کتاب *کافی* است با این تفاوت که شیخ مفید آن اخبار را از استاد حدیثی‌اش ابن قولویه از کلینی آورده است. بقیه روایات مهدوی این کتاب، منبع مشخصی ندارد و حدس و گمان درباره مصادروى راه به جایی نمی‌برد. فرضیه این نوشتار بر این بود که ممکن است وی از برخی مصادر اهل سنت یا آثار غالیانی چون حسین بن حمدان یا فرقه‌هایی مانند اسماعیلیه نقل کرده باشد، اما مقایسه روایات *ارشاد* با آثار این گونه محافل نشان داد شیخ مفید از آنها نقل نکرده است. شباهت‌های موجود *ارشاد* با آن آثار به اندازه‌ای نیست که بتوان آنها را منبع اصلی شیخ مفید دانست.

منابع

- ابن حجر، احمد بن علی، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۶.
- ابن حماد، نعیم، *الفتن*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳.
- ابن حنبل، احمد، *المسند*، بیروت: دارصادر، بی تا.
- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق سامی الغریری، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲.
- ابن طاووس، رضی الدین علی، *التشريف بالمنن فی التعریف بالفتن* (معروف به ملاحم)، اصفهان: گلپهار، ۱۴۱۶.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البداية والنهاية*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷.
- ابن ادريس حلی، محمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۰.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *معالم العلماء*، نجف: حیدریه، ۱۳۸۰.
- توحیدی، ابو حیان، *الامتناع والمؤانسه*، بی جا: بی نا، ۲۰۰۳.
- خانجانی، قاسم، *شیخ مفید و تاریخ نگاری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- خصیبی، حسین بن حمدان، *تاریخ النبی والأئمة و معجزاتهم المسمى بالهداية الكبرى*، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۳۲.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
- دوانی، علی، *شیخ مفید*، چاپ شده در مجموعه آثار کنگره شیخ مفید، شماره ۶۳، ۱۴۱۳.
- ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الارناؤوط و دیگران، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۱۳.
- _____، *تاریخ الاسلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۹۹۳.
- سلمی شافعی، یوسف، *عقد الدرر*، قم: جمکران، ۱۴۲۸.
- ساخت، جوزف، «ارزیابی مجدد احادیث اسلامی»، ترجمه محمدی مظفر، *علوم حدیث*، ش ۳۴، زمستان ۱۳۸۳.
- شوشتری، قاضی نورالله، *مجالس المؤمنین*، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۷.
- صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۵.
- صفری، نعمت الله، «شیخ مفید و تاریخ نگاری او در کتاب الارشاد»، *مجله شیعه شناسی*، ش ۱۸،

۱۳۸۶.

- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، فهرست کتب الشیعة و اصولهم، تحقیق عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبة المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰.
- _____، الغیبه، قم: دارالمعارف، ۱۴۱۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- مغربی، قاضی نعمان بن محمد، شرح الاخبار، تحقیق جلالی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، بیروت: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۶ ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: صدوق، ۱۳۹۷.

